

ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ... از صفحه ۲۲

رسیده بود که در آن اطلاعاتی درباره فاجعه وجود داشت. به گفته آقای میرمهدی: کلیه نامه های وارده به دادگاه، مطالعه شد و تعدادی از آنها که قابل طرح بود در دادگاه مطرح شد. آقای میرمهدی گفت محتوای آن بخش از نامه ها که قابل طرح در دادگاه نبوده، چه بوده است؟

اما در میان محاکمه شوندگان فقط حسین تکبعلی زاده بود که در آتش زدن سینما دست داشت و همانطور که قبلاً شنیدید دادگاه از احضار یاران تکبعلی زاده امتناع ورزید و کمترین تلاشی حتی در جهت احراز هویت آنان به عمل نیاورد.

بیژن خوزستانی می گوید: تنها کسی که می شد رویش شک نکر و عامل این قضیه است خود تکبعلی زاده بود ولی آدمهایی که او اسم می برد نه تنها یکی شان بازداشت نشدند و به دادگاه نیامدند (بلکه) مجازات (هم) نشدند. بلکه سعی دادگاه در این بود که این آتشسوزی را به نوعی به سازمان امنیت رژیم گذشته ساواک بچسباند اما در این کار ناموفق ماند. حتی هنگامی که عبدالله لرقبا، که کارمند شرکت هواپیمائی ملی بود و به گفته تکبعلی زاده مایع آتش زار را در اختیار تیم عملیاتی آتش زدن سینما قرار داده بود، گفت تکبعلی زاده با ساواک ارتباط داشته، تکبعلی زاده در پاسخ گفت: اینجا این سؤال مطرح است که جریان من که به قول عبدالله لرقبا ساواکی هستم در فاجعه سینما رکن چه مشکلی برای عبدالله و هر کس دیگری ایجاد کرده که آقای عبدالله لرقبا از محمود بنی عامری خواسته که برای حل آن در تهران اقدام کند. و در پاسخ این اظهارات لرقبا که گفته بود: وقتی حسین برای من اعتراف کرد که این فاجعه را به وجود آورده ام از او خواستم هر گاه ناراحت بود بیاید با من درد دل کند. از رئیس دادگاه پرسید: اگر این طور است عبدالله چه وحشتی از آن داشت که من با کس دیگری صحبت کنم؟ و عبدالله لرقبا پاسخ داده بود: مسأله انقلاب بود. علیرضا نوری زاده، درباره دادگاه و مذاکرات و اهدافی که این دادگاه دنبال می کرد می گوید: شما دقیق که بر متن آن دادگاه نظر می انداختید آنقدر تضاد در این صحبتها می دیدید (که) یکجا متهمان می گفتند روی غیرت دینی شان این کار را کرده اند، یکجا سعی می کردند که پای مأموران دولتی را به میان بکشند.

عده ای از کسانی که در دادگاه موسوی تبریزی محاکمه شدند کمترین ربطی به آتش زدن سینما نداشتند از جمله چند پاسبان و افسر و نیز رئیس فرهنگ و هنر آبادان و برخی دیگر نیز اگرچه ارتباطی با آتش زدن نداشتند، اما متهم شده بودند که در کمک به فاجعه دیدگان اهمال کرده بودند، چون مأموران آتش نشانی و کارگران سینما و کارمندان سازمان دفاع غیرنظامی آبادان. رئیس دادگاه سعی داشت بدون اشاره به مسیبان آتش سوزی، ابعاد فاجعه را به گردن کسانی بیاندازد که احتمالاً در کمک رسانی اهمال کرده بودند، از جمله مأموران آتش نشانی. ماه آینده: «آیا مأموران آتش نشانی اهمال کرده بودند؟» ناتمام

کمک به آسیب دیدگان شود. رئیس دادگاه تلقین می کرد که ممانعت از رسیدن کمک و بسته بودن در خروجی باعث فاجعه ای شده است. در حالی که شاهدان گفته اند بعد از خاموش شدن آتش، اجساد نه پشت در بلکه در مقابل پرده سینما تلنبار شده بود. یعنی مردم بعد از متوجه شدن آتش به طرف در هجوم نیاورده بودند که بسته بودن یا باز بودن آن توفیری در نتیجه به وجود آورد زیرا آتش سه طرف سالن را پوشانده بود، از جمله طرفی که در خروجی در آن بود و مردم برای فرار از آتش به سمتی رفته بودند که آتش از آن سمت زبانه نمی کشیده یعنی پرده سینما و دیگر این که شهودی که بلافاصله بعد از خاموش شدن آتش داخل سینما شده اند می گویند آب سطح سینما را پوشانده بود. یعنی اگرچه ماشین های آتش نشانی دیر رسیدند اما به هر حال آتش را خاموش کردند ولی



تماشاچیان سینما قبل از سوختن همه بر اثر خفگی مرده بودند و دیر یا زود رسیدن ماشین آتش نشانی تأثیری نداشته و نمی توانسته از ابعاد فاجعه بکاهد.

(۱۸)

حکم اعدام برای متهمان بی گناه

به گفته مجتبی میرمهدی، عضو حقوقدان دادگاه رسیدگی به پرونده سینما رکن، و روهیمرفته، ۱۸ جلسه از روز شنبه اول شهریور تا چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹ برگزار شد. باز هم به گفته مجتبی میرمهدی بین ۹۰ تا یکصد ساعت فیلم ویدئویی از این دادگاه و مذاکرات آن در طول جریان دادگاه تهیه شده که البته از سر نوشت آن نوارها خبری در دست نیست اما بخش هایی انتخاب شده از آن- یک بار- فقط از تلویزیون ملی ایران مرکز آبادان همزمان با برگزاری دادگاه پخش شده است. علاوه بر این قریب ۹۰۰ نامه از سوی مردم به دادگاه

مستدلی مبنی بر این که رژیم شاه این عمل را انجام داده نگفتند، بجز این که گفتند آقای محمد رشیدیان در دوره ای که تحصیل می کرده، دوره ای که در سال ۵۳ دستگیر شده، شاگردی داشته که روی او کار می کرده علیه به اصطلاح دوره رژیم شاه که اینها نقشه را داشته اند از آن دوره و توانستند این موقع از ش استفاده بکنند. خود جو عمومی آبادان بیانگر این بود که کار احقمانه ای است که اگر رژیم قبلی حتی می خواست استفاده بکند چرا که در شهرهای دیگر بلوا بیشتر برپا بود و آبادان در واقع شهری به نوعی آرامتر از شهرهای دیگر بود.

دادگاه روشن نکرد که چرا آیت الله بیگدلی معروف به آذری قمی از یاران نزدیک آیت الله خمینی، تکبعلی زاده را بیگناهی دانسته بود که مسلمانان راضی نیستند خون بیگناه او ریخته شود و این همه در حالی است که تکبعلی زاده به وضوح و روشنی در پاسخ به سؤال موسوی تبریزی رئیس دادگاه که پرسید شما چرا سینما را آتش زدید گفت: فکر می کردم کاری در جهت انقلاب و اینهاست. و در پاسخ به این سؤال که آیا فرج در این زمینه چیزی گفته بود افزوده بود: برایش فرقی نمی کرد او موافق جنگ فرسایشی بود که اعصاب رژیم توسط آنها خرد می شود.

(۱۷)

وظایف تیم پشتیبانی جنایت

علاوه بر همه این کاستی ها که عملکرد دادگاه را به شدت زیر سؤال می برد، یک موضوع کلیدی دیگر نیز به هیچ وجه مورد توجه دادگاه قرار نگرفت و آن احتمال وجود تیم دومی از انقلابی ها در آتش زدن سینماست. وظیفه تیم اول که تکبعلی زاده عضو آن بود، آتش زدن سینما بود و وظیفه احتمالی تیم دوم جلوگیری از رسیدن کمک یا اختلال در آن. با این هدف که فاجعه ابعاد بزرگتری به خود بگیرد. محمد جواد بی شتاب یکی از شهود دادگاه در گفتگو با لویی بلانش خبرنگار روزنامه نوول اسپر واتور گفته بود: آتش زدن گان و حامیانشان و طرفداران آخوندها مانع از آن شدند که تماشاچیان خارج شوند یا مردم به کمک آنها بروند. همین جواد بی شتاب در دادگاه قیلا شهادت داده بود که: هنگامی که با شنگ آب به طرف آتش می رفتم بر اثر اصابت شیء سنگینی به سرم، بیهوش شدم. همچنین جعفر سازش (نماینده و موزع روزنامه کیهان در آبادان) که ۵ فرزند ۱۱ تا ۲۳ ساله اش را در آن فاجعه از دست داده بود به روزنامه اطلاعات گفته بود: نمی دانم فرزندانم قربانی چه شدند. درهای بسته سینما را حتی با چکش هم می شد شکست و مردم را نجات داد. اما وقتی برای نجات بچه هایم فریاد زدم، یک نفر مرا با چوب از محل حادثه دور کرد و به من گفت همه دارند می سوزند برو کنار!

در دادگاه سعی فراوان شد که ابعاد فاجعه متوجه دیر رسیدن

زیرا به گفته شاهدان و ناظران دادگاه هدف برگذار کنندگان دادگاه (چیز) دیگری بود و همین موضوع ذهنیت مردم آبادان را نسبت به عملکرد دادگاه و نقش آن تغییر داد بیژن خوزستانی در این باره می گوید: اعتراضات و صحبت او بیشتر جذابیت داشت و جلب توجه می کرد و بیشتر مردم دنبال می کردند که خوب تو این دادگاه او سعی کرد حرف بزنی و از طرف مسئولین دادگاه یک جوری بود که بیشتر جلوی او را بگیرند. ایستادگی حسین تکبعلی زاده در مقابل مسئولین دادگاه دیگر از آن چهره منفوری که باعث شده بود حدود ۷۰۰ آدم بسوزند در سینما، کمتر کرد و به یک شکلی (بود) که در واقع داشت روشن می کرد که مسیبان واقعی این قضیه که هستند، در تصویر قرار گرفت. در واقع می شود گفت که حسین تکبعلی زاده یک نوع جسارت از خودش مقابل موسوی تبریزی نشان می داد، برخلاف برنامه ای که می شد دید که از پیش، پیش بینی شده بود و روشن کرده بودند که او چه بگوید و چکار کند. منتها (او) با اعتراضاتش بخش عظیم از گره های کور این واقعه را باز کرد.

رضا شهروند آبادانی نیز می گوید قصد دادگاه محکوم کردن رژیم شاه بود نه روشن کردن ماجرا: وقتی محاکمه در سینما تاج آبادان انجام شد، دقیقاً مشخص شد که خود رئیس دادگاه موسوی تبریزی عملاً این را داشت می چسباند به سیستم شاه و به حسین تکبعلی زاده که از تلویزیون نشان می دادند- البته فیلمها سانسور شده بود و حالا آن چیزهایی را که به قول معروف می آمدند خانواده ها از سینما تاج بیرون و تعریف می کردند و فلان و اینها، دقیقاً مشخص بود که مردم می گفتند... می گفتند بابا اینها نمی گذارند اصلاً این صحبت کنند، اگر کار رژیم شاه بود، این مسأله، چه جوری نمی گذارند صحبت کنند. شاهی دیگر نیست. شاه رفته. شاهی دیگر نیست پس چرا اینها درباره اش نمی گذارند صحبت کنند. حتماً یک کاسه ای زیر نیم کاسه است. این دقیقاً صحبت عامیانه آن زمان بود. تمام اهل آبادان این دادگاه را اصلاً به تمسخر گرفتند. شاید برای شهرهای دیگر قابل پذیرش بود ولی برای خود آبادانیها این اصلاً قابل باور نبود، چون همه اش فرمالیته بود. همه اش. یعنی خود خانواده بازمانده ها هم این را می دانستند. ولی اینها یک جوری می خواستند بالاخره این مسأله را فیصله بدهند که آره این وابسته به سیستم شاه بوده. شاه اینجا را به آتش کشیده. از جمله به دلیل همین برداشت مردم آبادان از دادگاه بود که آقای نقییبی دادستان ویژه دادگاه در گفتگویی با مطبوعات در پاسخ به این سؤال که علت این فکر که در مردم نفوذ کرده و روحانیت را مقصر می دانند چیست، گفت: اظهارات متهم درجه یک بعد از انقلاب و حمایت افرادی که در کمیته ها بودند از او در عده ای این تصور را بوجود آورده که این کار، کار مذهبون بوده است.

بیژن خوزستانی می گوید: در ادامه دادگاه، اینها هیچ دلیل

رستوران آریا



افتتاحیه

با ۱۸ سال سابقه در رستوران های «اورنج کانتی» و برگزاری جشن ها و میهمانی ها و با داشتن دو سالن «Banquets» و کادر مجرب آماده برگزاری میهمانی های شما با بهترین کیفیت

مکانی متفاوت، گرم، دوستانه و خانوادگی با غذاهای دلپذیر ایرانی و ایتالیایی پذیرای شما و میهمانان عزیزتان می باشیم

با قیمت مناسب و سرویس عالی (با گوشت حلال)

سفارش غذا از بهترین مواد سالم و تازه تهیه شده.

Lunch Special

M-F 11:30 to 2:30



Happy New Year

New Year's Eve Party

Including Four Course Dinner

International DJ, Balloon Drops, Party Favorites, Champagne Toast

9:00 pm - 1:00 am

\$79 Per Person

(۴۰۸)۹۹۶-۹۶۰۶

19930 Stevens Creek Blvd., Cupertino, CA 95014
www.aryarestaurant.com

(408)996-9606